



توطئه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و سی و یک خورشیدی

پس از ملی شدن صنعت نفت که به پیشنهاد جانباخته راه آزادی دکتر حسین فاطمی و به رهبری دکتر مصدق انجام گرفت ، استعمار پیر بریتانیا که منافع نامشروع خود را بویژه در خاورمیانه سخت در خطر می دید ، اقدام به توطئه های گوناگونی برای از میان برداشتن دکتر مصدق و نابودی نهضت ملی ایران که موجب بیداری ملت های در بند استعمار و استبداد گردیده بود ، طرح ریزی و توسط مزدوران داخلش اجرا می نمود . توطئه نهم اسفند ماه ، جهت به قتل رساندن دکتر مصدق ، یکی از آن طرح های ننگینی بود که خوشبختانه با شکست روبرو گردید . در این توطئه ننگین جمعی از روحانیون به رهبری آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و آیت الله سید محمد بهبهانی و حجت الاسلام شمس قنات آبادی و جمعی از اوباش و چاقوکشان بد نام به سرکردگی شعبان بی مخ (شعبان تاجبخش) و طبیب حاج رضائی و رمضان یخی ، همچنین کانون افسران باز نشسته به رهبری سپهبد شاه بختی و سرلشگر معینی ، و ... شرکت مستقیم داشتند .

برنامه طرح ریزی شده بر این منوال بود که شاه و همسرش ثریا اسفند یاری در روز نهم اسفند ماه قصد سفر بخارج کشور را داشته باشند ، بدون صدور اطلاعیه از سوی دربار تا مردم از آن مطلع نگردند فقط هیأت دولت و شخص نخست وزیر و افراد مورد اعتماد در جریان مسافرت قرار گیرند .

در روز نهم اسفند دکتر مصدق نخست وزیر کشور برای خداحافظی به کاخ سلطنتی که نزدیک منزلش بود رفت . در این زمان آیت الله کاشانی از شعبان بی مخ و جمعی از ارازل و اوباش خواست خودشان را به جلوی کاخ برسانند و جلوی مسافرت "شاهنشاه اسلام پناه" را بگیرند از سوی دیگر آیت الله بهبهانی با دار و دسته اش به جلوی کاخ آمدند تا مخالفت خود را با سفر شاه اعلام نمایند و گروهی از افسران باز نشسته نیز به جمع آنها پیوستند . حال چگونه این گروه ها مطلع شده بودن طراحان توطئه باید پا سخ آنها بدهند!! برنامه بدین ترتیب طرح ریزی شده بود که پس از مراسم خداحافظی زمانی که دکتر مصدق از در کاخ خارج می شود اوباش حمله ور شده و او را بقتل برسانند بعد با گرفتن سه روز عزای عمومی از سوی دربار و دستگیری چند نفر بجرم قتل ، سر و ته ماجرا را بهم آورند . خوشبختانه دکتر مصدق پیش از خروج متوجه دسیسه شد و با راهنمایی یکی از کارکنان دربار که از اصل قضایا بی خبر بود از درب شمالی کاخ که کمی پائین تر از منزلش بود خارج شده و به خانه اش رفت . اوباش که متوجه خروج دکتر مصدق از در دیگر کاخ شدند با عجله خود را به در خانه پیشوای نهضت ملی ایران رساندند تا اجرای امر نمایند که با خروج مصدق از حیاط پشت خانه و رفتن به ستاد ارتش این برنامه اهریمنی دشمنان ایران با شکست روبرو شد .



یورش اوباش به خانه دکتر مصدق

امروزه با افشای بخشی از اسناد محرمانه دولت های انگلیس و آمریکا همه چیز به روشنی آشکار شده است که ادامه دولت ملی دکتر مصدق موجب می شد تا دست دولت های استعمارگر از روی کشورهای جهان سومی بریده گردد و منافع نامشروع خود را از دست بدهند. بهمین علت بود که در طی بیست و هفت ماه و اندی حکومت ملی دکتر مصدق، از سوی دولت های انگلیس و شوروی سوسیالیستی و دولت آمریکا، توطئه های گوناگونی جهت سقوط دولت ملی و ضد استعماری ایران انجام گرفت تا بالاخره با کودتای ننگین بیست و هشت مرداد موفق به اجرای هدف های اهریمنی خود شدند که نتیجه اش را امروزه همگان می بینیم. متأسفانه هنوز مزدورانی پیدا می شوند که خود را تاریخ شناس و مورخ و سیاستمدار و مبارز معرفی کرده و با بی شرمی تمام اراجیفی را سر هم کرده و علیه پیشوای نهضت ملی ایران برزبان آورده و یا می نویسند. و در کمال وقاحت، دکتر مصدق را عامل انگلیس ویا شوروی معرفی می کنند. این مزدوران اگر قدری شرف داشته باشند فقط نگاهی به آخرین کتاب محمدرضا شاه " پاسخ به تاریخ " و " چهره هایی در آئینه " خاطرات اشرف پهلوی خواهر همزاد شاه بیاندازند تا ببینند چه کسی عامل و گوش به فرمان بیگانه بوده است. برای نمونه به این بخش از آخرین نوشته شاه مخلوع توجه شود تا عامل سیه روزی ایران امروز را بشناسند و اگر ریگی در کفش ندارند از ملت ایران پوزش بخواهند.

" در مردادماه 1322 پس از حصول اطمینان از پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و انگلیس که سرانجام سیاست مشترکی را آغاز کرده بودند و پس از بررسی اوضاع با کرمیت روزولت نماینده سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، برآن شدم که برای یافتن راه حلی وارد عمل شوم"
(پاسخ به تاریخ صفحه 73)

شاهی که بر اساس قانون اساسی از دخالت در امور کشور منع شده است. مخفیانه در نیمه های شب با فرستاده سازمان جاسوسی بیگانه نشست برگزار می نماید تا علیه دولت ملی کشورش طبق دستور بیگانگان وارد عمل شود.

حال اگر گفته آیت الله خمینی را بعنوان یک پیشوای مذهبی دستاویز قرار بدهند نمی توان ایرادی گرفت چون خمینی خود را یک رهبر مذهبی معرفی می کرد و قشری از جامعه هم او را قبول داشتند.

آیت الله خمینی در بهار سال یکهزار و سیصد و شصت پس از عزل آقای بنی صدر از مقام ریاست جمهوری که از سوی مردم انتخاب شده بود، خطاب به حضارانی که در حسینیه جماران گرد آمده بودند گفت:

"ملی گرایی از اساس کفر است. نگذارید نامش را ببرم (منظور دکتر مصدق است) او هم مسلم نبود می خواست به اسلام سیلی بزند که خداوند سیلی را به او زد."

از دید ایشان دست آمریکا دست خدا بود که به مصدق سیلی زد. اما باید از مریدان ایشان پرسید که شعار، **" مرگ بر آمریکا "** دیگر چه صیغه ای است این که توهین به خدونداست. !!؟

هم میهن گرامی

در حالی که زندان های قرون وسطائی نظام ولایت فقیه جایگاه جوانان مبارز و شخصیت های آزادیخواه گردیده و فساد و تباهی بر جامعه سایه شوم خود را آنچنان گسترانیده است که مردگان هم در ته گورامنیت ندارند تا چه برسد به زندگان. آقازاده ها و وابستگانشان در سایه حمایت آیات عظام مشغول تاراج ثروت های ملی و حیف و میل بیت المال ملت تحت ستم ایران بوده و آنچه را به یغما می برند به خارج کشور منتقل می کنند تا چراغی باشد برای فردای تاریکشان. آنوقت ما روز به روز از هم فاصله گرفته و بهم می تازیم و اجازه می دهیم تا مزدوران بیگانه برای جلب نظر اربابان خود، نوامیس ملی ما را مورد توهین قرار بدهند. در این زمان وظیفه تک تک ما ایرانیان چیست؟ ساکت نشستن و بی تفاوت به قضایا نگرستن در شأن یک ملت با فرهنگ و آزاده نیست. بی سال پیش ملت ایران یک پارچه بپا خاست تا آزادی و دادگری را در کشورش حاکم نموده و خود بر مقدرات کشورش حاکم گردد ولی بر اثر غفلت و اختلاف های شخصی و گروهی، صف یک پارچه مردم از هم گسست و مشتکی دستار بند دغلباز از نام دین سوء استفاده کرده و انقلابی را که می رفت تا سرمشق ملت های اسیر سلطه استبداد درجهان گردد به افتضاح کشاندند. باید با عبرت گرفتن از گذشته، اختلاف ها را کنار گذاشت و برای رهائی کشور عزیزمان ایران از این گرداب مهلک در یک جبهه واحد گرد آئیم. وبه کمک زنان دلاور، جوانان مبارزو کارگران غیور درون کشور که قهرمانه بپا خاسته اند و از ته دل فریاد مرگ بردیکتاتور سر می دهند و با این رشادت قابل ستایش، پایه های

نظام استبداد مذهبی را به لرزه درآورده اند ، بشتابم نه اینکه از این جنبش خود جوش ملی هر گروه بخواهد بسود خود بهره برداری نموده و آنرا بخود نسبت دهد . خون هزاران جانباخته در عرض این سی سال خاک پاک میهن ما را به رنگ سرخ درآورده است که ما بخود آنیم و یکپارچه شویم و با هر ایده و عقیده و مذهبی که داریم از منیت درآمده و ما شویم تا برای همیشه آزادی و دادگری و مهرورزی را در گستره ایرانزمین برقرار سازیم . نباید از ترفندهای نظام ولایت فقیه و اهمه داشت که برای خنثی نمودن جنبش ملت ایران در این چند ماه اخیر تظاهرات هزاران نفری از پیش برنامه ریزی شده راه می اندازد و اهمه داشت ترفند همه دیکتاتورهای جهان تا امروز همین نمایش های از پیش ساخته شده بوده است . صدام حسین نیز تا روز های آخر عمر حکومتش از این طرح استفاده می کرد هیتلر ، استالین ، موسولنی ، محمدرضا شاه و... در زمانی که حکومت خود را در خطر می دیدند تظاهرات و راه پیمائی های چند صد هزار نفری براه می انداختند ولی دیدیم عاقبت به کجا کشیده شدند و در برابر یک پارچگی ملت ها با سر به ته دره بدنایمی سقوط نمودند .

هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت خورشیدی

مهران ادیب